

تشریح الأبدان منصورى

نگاهی گذرا به کتاب تشریح بدن انسان

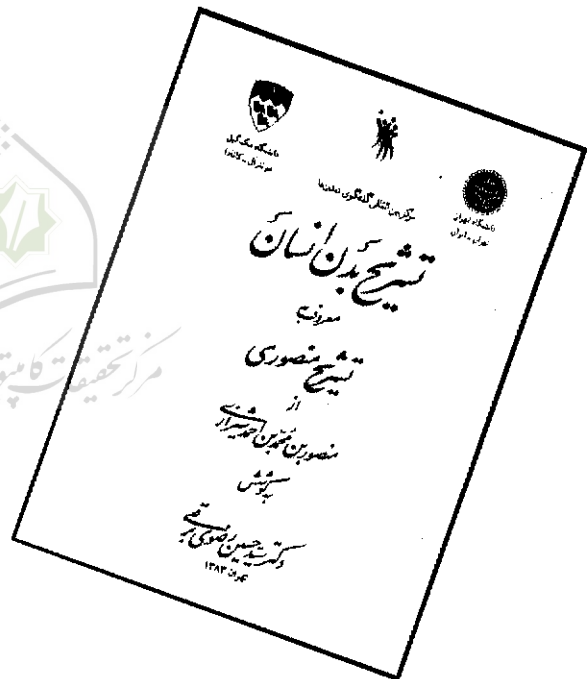
یوسف بیگ باباپور

رساله تشریح الأبدان در اصل بدون نام است و نسل‌های بعدی آن را تشریح بالتصویر (کالبدشناسی مصور)، تشریح البدن، رساله در تشریح بدن انسان و کیفیت اوضاع آن و از همه معروف‌تر «تشریح الأبدان» نامیدند. این رساله در سال ۷۹۸ق نوشته شده و به امیرزاده پیرمحمد بهادر خان پسر جهانگیر پسر تیمور گورکان، نواده تیمور لنگ تقدیم شده است.

متون علمی گذشته که جزو بهترین میراث اسلاف ماست، همواره در پیشبرد دانش آیندگان نقش بسزایی داشته است. از آن میان علم پزشکی اهمیت خاص خود را دارد و می‌طلبد که توجه بیشتری به آن کرده شود و مصححی که قصد احیای این گونه متون را دارد، باید که به جمیع جوانب آن آگاه باشد و از هر حیث کاری کامل و به دور از کاستی‌ها و نادرستی‌ها ارائه نماید تا خواننده بتواند با اعتماد کامل و آسودگی خاطر از آن بهره بگیرد.

چندی پیش اطلاع پیدا کردم اثر ارزشمند تشریح الأبدان منصورى از سوی مؤسسه مطالعات اسلامی و به کوشش سید حسین رضوی برقی به چاپ رسیده است، بر آن شدم که آن را با دقت تمام مطالعه نمایم و از آن بهره بگیرم. با یک بار مطالعه اغلاط فاحش و نارسایی‌های چشم‌گیری در آن ملاحظه افتاد، لذا به مقابله مجدد آن با چند نسخه خطی دیگر پرداختم که از این اثر در اختیار داشتم.

نثر نسبتاً مشکل‌آثر که مملو از کلمات و عبارات عربی و اصطلاحات خاص این فن است و اغلب جملات نیز به سیاق نحو عربی است و تخصصی بودن متن به طبع می‌طلبید تا اثر مزبور با دقت و احاطه بیشتری تصحیح شود و توضیحات و تعلیقات لازم و فهارس جامع بر آن افزوده شود تا مورد استفاده آسان علم‌پژوهان و دانش‌آموختگان این فن قرار گیرد و امکان



تشریح بدن انسان معروف به تشریح منصورى از منصورین محمدین احمد شیرازی، به کوشش دکتر سید حسین رضوی برقی، چاپ اول، مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.

تشریح الأبدان اثر منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس شیرازی، یکی از مهمترین آثار طبی فارسی در زمینه تشریح انسانی است. منصور از اطباء قرن هشتم ق و معاصر خواجه حافظ شیرازی بود. وی پزشک مخصوص شاه مجاهدالدین مظفری از خاندان مظفریان بوده و کفایة المجاهدیة را به نام وی نوشته است.

صورت صحیح در پاورقی (نسخه بدل) آورده شده است.
 (۵) ص ۳۲، س ۱۱: عبارت نادرست «وتحف تحیات و صلوة و صلوات بر...» به جای «وتُحَفِّ تحیات و صلوات صلوات بر...» آمده است.

(۶) ص ۳۳، س ۱۱: حرکت گذاری نادرست عبارت «أضعف عباد الله» به جای «أضعف عباد الله».

(۷) ص ۳۳، س ۱۵: گزینش واژه نامناسب «انتظام» به جای کتابت در عبارت «... و کیفیت اوضاع آن سطری در سلک انتظام و قید عبارت در آورد» که سلک با قید سجع متوازن است و کتابت و عبارت نیز سجع متوازی باید باشند تا توازن جمله مسجع درست باشد.

(۸) ص ۳۴، س ۱: واژه نامناسب «مرام» به جای واژه مراد.

(۹) ص ۳۴، س ۱۰: ابن به جای «بن» در عبارت «السلطان ابن سلطان...».

(۱۰) ص ۳۵، س ۷: عبارت ناقص «مزال اقلام» به جای مزال اقدام اقلام (لغزشگاه های قدم های قلم ها) آمده است.

(۱۱) ص ۴۱، س ۱۰: ترکیب نادرست «متشابهة الأجزاء» به جای متشابهة الأجزاء؛ در ص ۴۱، س ۱۲ و ص ۵۱، س ۷ نیز آمده است. در قانون ابن سینا و کتب دیگر طبعی نیز «متشابهة الأجزاء» آمده است، ر.ک: قانون در طب، ج ۱، ص ۴۴.

(۱۲) ص ۴۱، س ۱۴: واژه نادرست «اتمام حرکات» به جای تمام حرکات.

(۱۳) ص ۴۶، س ۱۲: واژه «مُنَجْدَر» (بریده شده و قطع شده) به جای واژه «منجبر» صحیح تر است.

(۱۴) ص ۴۶، س ۱۲: واژه «صبا» به جای «صبی» (کودکی) آمده است.

(۱۵) ص ۴۷، س ۲: واژه نامناسب «التفات» به جای التصاق آمده است.

(۱۶) ص ۴۷، س ۴: واژه نامناسب «ملصق» به جای ملتصق آمده است.

(۱۷) ص ۴۷، س ۴: واژه نامناسب «اعضاء» به جای اضلاع آمده است.

(۱۸) ص ۴۷، س ۸: تشدید میم در واژه «قَم» نادرست است و در چندین جا دیده می شود.

(۱۹) ص ۴۸، س ۲ و ۱: عبارت ناقص «ظاهر است خلو ایشان از لیف و از آن شظایا» به جای «ظاهر است خلو ایشان از لیف و از آن لیف شظایا».

(۲۰) ص ۴۸، س ۳: عبارت نامفهوم «و آن توقف کل واحد واحد است» به جای و آن توقف کُل واحد لواحد است.

(۲۱) ص ۴۸، س ۴: حذف فعل است در عبارت «و تسلسل

استفاده از آن برای همه علاقه مندان میسر باشد. نارسایی ها و اغلاط و اشکال هایی که در مطالعه این اثر معلوم گردید، در دو عنوان کلی و جزئی مطرح می شود:

۱. برخی از مسائل عمده ای که می توان در مطالعه کلی اثر چاپ شده مطرح کرد، به قرار زیر است:
 (۱) اشاره نکردن به منابع و مآخذ آیات، آیات، احادیث و شواهد دیگر.

(۲) توضیح ندادن لغات دشوار متن و اصطلاحات خاص.

(۳) نبود فهرست های جامعی چون نام اشخاص، جای ها، کتاب ها، اشعار عربی و فارسی، آیات و احادیث و ...

(۴) عدم نشانه گذاری صحیح متن و فقدان نشانه ها و علائم نگارشی صحیح در لابه لای جملات و فراکردها.

(۵) عبارت سربرگ «پیشگفتار مصحح» تا پنج صفحه از متن رساله به اشتباه چاپ شده است.

(۶) عدم یکنواختی در حرکت گذاری عبارات عربی به گونه ای که گاهی حرکت گذاری شده و گاهی نشده، از جمله در ص ۳۷، س ۹-۱۰ و ...

(۷) نادرستی برخی پاورقی ها (نسخه بدل ها) از جمله در ص ۴۰، شماره ۳۵ و ...

(۸) حرکت نداشتن برخی لغات و اصطلاحات (نام اعضا و ... در تمامی متن.

(۹) عدم پاراگراف بندی صحیح در برخی جای ها، مثلاً در ص ۵۶، پاراگراف ۳ و ۴ یک جمله کامل است که جدا نوشته شده اند.

(۱۰) تصاویر مرتب و در جای خود آورده نشده اند، از جمله در ص ۸۴ جای تصویر سمت راست مربوط به این مقالت نیست و همچنین در ص ۱۰۸ جای تصویر خالی است و تصویری وجود ندارد.

۲. اما موارد جزئی که در مطالعه دقیق متن استخراج شد، به قرار زیر است (متن از ص ۳۱-۲۰۲ می باشد):

(۱) ص ۳۱، س ۴: «است» در آخر جمله به قرینه لفظی حذف است که در گزینش آن دقت صورت نگرفته و چهار نسخه دیگر «است» را ندارد و سیاق متن نیز چنین است.

(۲) ص ۳۱، س ۵: «حکیمی» که در نسخ دیگر «علیمی» است، در این جا مناسب نیست، چون در ص ۳۲، س ۳، باز «حکیمی» تکرار شده، پس واژه «علیمی» درست است و صفت علیم نیز با عبارت بعدی مناسبت دارد.

(۳) ص ۳۱، س ۶: واژه نادرست «بَنیت» به جای «بَنیت» آمده است.

(۴) ص ۳۱، س ۸: غلط فاحش در صورت آیه شریفه (اسراء، آیه ۷۰) که به جای واژه صحیح «مِن» واژه مِمّا آمده است و

(۲۸) ص ۵۶، س ۱۶: عبارت غلط «و بعضی نوع آن دو و عضد است چون کتف» به جای «و بعضی نوع آن دو است چون کتف و عضد».

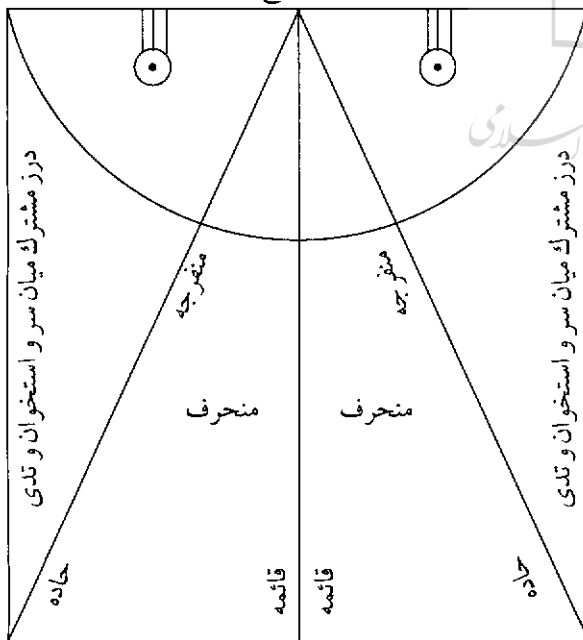
(۲۹) ص ۵۸، س ۱۰: واژه نامناسب «کُری» به جای کُروی، که در پاورقی (نسخه بدل) آورده شده، آمده است، چرا که «کُری» به معنای منسوب به کُره و کُروی شکل بودن است؛ با توجه به کلمه «مربع» بهتر است کُروی آورده شود؛ همچنین در ص ۵۸، س ۱۳. (۳۰) ص ۵۸، س ۱۱: فعل نامناسب «باشد» در متن به جای فعل جمع باشند که در سه نسخه بدل (در پاورقی) آمده است، چرا که مرجع ضمیر دو کلمه «شکل کُروی» و «شکل مربع» است در عبارت: «شکل کُروی اوسع است از مربع هرگاه که مساوی باشد (باشند) در اضلاع».

(۳۱) ص ۶۰، س ۵: واژه نادرست «قسرین» به جای قشرین آمده است.

(۳۲) ص ۶۰، س ۷: دو شکل مزبور ترسیم نشده است. این دو شکل یاد شده محل درزهای سر را نشان می دهند.

شکل دوم:

درز مشترك كه قاطع حنك است



«ابری» آمده است؛ منظور از آن، همان زائده لقمه است که به استخوان گیجگاه مفصل شده است.

(۳۵) ص ۶۳، س ۲: واژه «اثنان» نادرست است و صحیح آن «اسنان» است به معنای دندانها، چون که این جا همه دندانها مراد است نه ثنّین صرفاً.

(۳۶) ص ۶۳، س ۱۱: واژگان نادرست «فقر» و «لقم» به

محال بدون وجود قرینه لفظی و ذکر آن در پاورقی از سه نسخه بدل.

(۲۲) ص ۴۹، س ۴: «اعضایی یک طبقه» به جای اعضای یک طبقه آمده است.

(۲۳) ص ۵۰، س ۱۱: عبارت نامناسب و زاید «لمس به ملاقات است» که تنها در یک نسخه بوده و گویا سهو کاتب نسخه بوده که مصحح محترم بدون توجه به معنای عبارت آن را در جمله آورده است.

(۲۴) ص ۵۱، س ۷: ترکیب «متشابهة الأجزاء» که یک سطر پایین تر به صورت متشابهة الأجزاء آمده، نادرست است و صورت صحیح آن «متشابه الأجزاء» است.

(۲۵) ص ۵۴، س ۱۰: واژه نامناسب اصول به جای «حصول» آمده در عبارت «و ربط جهت اصول و حدث است».

(۲۶) ص ۵۵، س ۱۳: واژه «عسر» به جای «غیر سلس» صحیح است، چرا که در شرح آن (ص ۵۶، س ۱) «عسر» آمده و در نسخه طباطبایی نیز «عسر» ضبط شده، نه «وسلس» که در پاورقی آمده است.

(۲۷) ص ۵۶، س ۱۴: واو اضافی در عبارت «چون عظم لا می و [3b] و عظم و تدی».

شکل اول:



(۳۳) ص ۶۲، س ۷ و ۶: عبارت غلط و مشوش «یکی باریک و در شیب هر دو عظم زوجی، واقع است صدغ و متصل بدوست به و تری از عضله» به جای «یکی باریک و در شیب هر دو عظم زوجی واقع است و متصل بدو است و تدی از عضله صدغ» آمده.

(۳۴) ص ۶۲، س ۸: واژه نادرست «فقری» به جای نقری (فرورفتگی)؛ همچنین واژه «ابریه» درست است که به صورت

(۴۶) ص ۷۸ و ۷۹: مصحح محترم دقت نکرده که عبارت عربی، یک بیت عربی است و آن را در یک سطر و دنباله آیه قرآنی «تبارک الله أحسن الخالقین» (مؤمنون، آیه ۱۴) آورده است؛ در نسخه مجلس و طباطبایی هم واژه «شعر» در بالای این بیت دیده می شود.

(۴۷) ص ۸۲، س ۱۴ و ۱۵: عبارات نادرست «و فایده او حفظ و هیأت ...» به جای «و فایده او حفظ هیأت ...».

(۴۸) ص ۸۵، س ۵: عبارت «محل باشد که ...» به جای «محلّی باشد که ...» آمده؛ چنان که در پاورقی شماره ۶ آمده است، مناسب است.

(۴۹) ص ۸۶، س ۷: عبارت ناقص «و در روح نفسانی سایر است» به جای «و در او روح نفسانی سایر است» آمده است.

(۵۰) ص ۸۷، س ۴: حرکت گذاری نادرست در واژه «قطن» که صحیح آن به فتح اول است (قَطُن).

(۵۱) ص ۹۲، س ۲: ترکیب نادرست «قوة حساسه» به جای «قوة حاسه».

(۵۲) ص ۹۵، س ۹: عبارت نادرست «هر دو عصب او از سوراخ مهره اول و گردن و سینه است» به جای «هر دو عصب او از سوراخ مهره اول از گردن رسته است».

(۵۳) ص ۹۸، س ۴: حذف فعل «در می رود» از متن و ذکر آن در پاورقی (نسخه بدل ها) در عبارت «و در عضل عظم صلب یعنی استخوان پشت [در می رود] و ...».

(۵۴) ص ۹۸، س ۸: اختلال حرف و او ربط در معنای عبارت نادرست «... می آید به جانب دست و در بازو و پراکنده می شود»، به جای «... می آید به ... و در بازو پراکنده می شود».

(۵۵) ص ۱۰۰، س ۲: واژه نادرست «جزو» به جای واژه صحیح خَرَزَه در عبارت «و رسته است در میان خَرَزَه سیم و چهارم».

(۵۶) ص ۱۰۰، س ۷: عبارت نادرست «و قسم دیگر محل، او متقدم است و پراکنده است در ...» به جای «و قسم دیگر که مقدم است، پراکنده است در ...».

(۵۷) ص ۱۰۳، س ۱۳: گزینش نادرست واژه «عصبه» به جای عضل در عبارت «به این عصبه (عضل) که او را متنین خوانند»، چرا که متنین عضلات میان بطن و پشت در طرفین بدن است که «متون» نیز گویند، نه عصبه؛ در ص ۱۰۴، س ۸ و ۹ در متن «عضل متنین» نیز آمده است.

(۵۸) ص ۱۰۴، س ۱۱: گزینش واژه نامناسب «آمیخته» به جای انگیخته در عبارت «و آمیخته (انگیخته) می شود از مؤخر او عصبی به جانب عضلاتی که ...».

(۵۹) ص ۱۱۶، س ۲: غلط فاحش در کلمه اُریبَه (بیخ ران) که در متن به صورت «رابیه» آمده است.

جای نقر و لقم؛ چرا که نقر سوراخ دار بودن است و این جا فرورفتگی ها و زواید مهره هاست و لقم بند کردن راه چیزی است و این جا برآمدگی ها و زواید بعضی مهره هاست که به نقر مهره مجاور خود فرو می رود و مستحکم تر می گردد.

مصحح محترم نیز در چند سطر پایین تر در متن (ص ۶۴، س ۱۱) واژه «نقر» را به جای «فقر» گزیده است و کلمه فقر را از نسخه اساس به پاورقی شماره ۱۱ برده است که این نشانگر بی دقتی ایشان است، که در مورد قبلی نیز باید این کار را انجام می داد؛ در س ۱۲ از همین صفحه نیز باز واژه «فقر» را به جای «نقر» آورده که کاملاً نادرست است؛ باز در ص ۶۵، س ۲ و ص ۷۲، س ۱۱ واژه «نقر» آمده است.

(۳۷) ص ۶۵، س ۶: واژه نادرست «ملتصق» به جای ملتصق، چنان که مصحح محترم در ص ۶۹، س ۱۰ واژه ملتصق را برگزیده است.

(۳۸) ص ۶۶، س ۵: افتادگی فعل «نباشد» از متن در عبارت «و این بعد از عاشر [نباشد]، بنابراین که جرم ایشان از آن که ...».

(۳۹) ص ۶۶، س ۱۳: صورت غلط «و زور» به جای «وزور» که یک کلمه واحد است در عبارت «و ده دیگر اضلاع خلف وزور خوانند» و نیز در ص ۶۷، س ۲.

(۴۰) ص ۷۰، س ۱۰: در عبارت «در طرف مرفق گویی هست که زایده ای که از طرف وحشی عضد رسته است در او در می رود»، واژه گویی غلط است و به جای آن باید «گوی» باشد، چرا که «گوی» یعنی مانند گوی و چیز گرد و «گو» یعنی فرورفتگی و گود و فعل «در می رود» در این عبارت مؤید آن است؛ همچنین در ص ۷۱، س ۶ و ص ۷۶، س ۸ و ص ۷۷، س ۴.

(۴۱) ص ۷۳، س ۸ و ۷: واژه های «انکیاب و انبطاح» این جا نادرستند و واژه های مناسب و درست «انکفات و انطحاح» است که به معنای انقباض و انبساط به کار رفته است.

(۴۲) ص ۷۳، س ۱۰: واژه «حرقفه» نادرست است و صحیح آن «حرقفی» است که همان استخوان خاصره (Hip=Bassin) است.

(۴۳) ص ۷۵، س ۵: غلط فاحش در گزینش واژه «حفره» به جای «صغوه»؛ صغوه در اصطلاح استخوانی است غضروفی که همان کشکک یا «patella» است.

(۴۴) ص ۷۵، س ۸ و ۷: عبارت نادرست و نامفهوم «و در او نقره ای هست که در می رود و آنچه بیرون آمده است از عظم فخذ» به جای «و در او نقره ای هست که در می رود در او آنچه بیرون آمده است از عظم فخذ».

(۴۵) ص ۷۷، س ۲: حرکت گذاری نادرست واژه «قدم» که «قدم» صحیح است.

(۷۵) ص ۱۵۷، س ۱۲: واژه نامفهوم «وردی» به جای «وریدی» آمده.

(۷۶) ص ۱۶۲، س ۱۰: واژه نادرست «مکون» به جای واژه درست «تکون»، چرا که ساختار جمله ایجاب می کند که واژه مورد نظر به صورت مصدری به کار رود.

(۷۷) ص ۱۶۳، س ۹: واژه غلط و بی معنای «متغلق» به جای مُتَقَلِّ (بسته شده و به هم آمده).

(۷۸) ص ۱۶۴، س ۹: کاربرد جسمع واژه «امعاء» به جای مفرد آن «معاء»، در عبارت «و ششم را امعاء مستقیم خوانند».

(۷۹) ص ۱۶۹، س ۷: واژه نادرست «محمّل» به جای «متحمّل» آمده.

(۸۰) ص ۱۷۰، س ۱: واژه نامناسب «منفجر» به جای «منجر» آمده.

(۸۱) ص ۱۷۱ و ۱۷۲: نادرستی پاراگراف بندی به طوری که کلمه پایانی جمله قبلی به آغاز پاراگراف بعدی برده شده، مثلاً عبارت صحیح «و مقعر او نزدیک معده است و امعاء و محتوی است بر معده». به صورت «و مقعر او نزدیک معده است. و امعاء محتوی است بر معده» آمده است.

(۸۲) ص ۱۷۴، س ۱: واژه غلط «سحج» به جای «سَجح» (پوسته پوسته شدن و خراش برداشتن پوست).

(۸۳) ص ۱۸۰، س ۱۲: فعل نامناسب «ریخته شود» به جای «پخته شود» که همان نضج یافتن است.

(۸۴) ص ۱۸۱، س ۴: واژه غلط «تُنک تر» به جای «تنگ تر»، چرا که در توضیح این کلمه گفته که «... ضیق جهت آن است که منی ایشان رقیق است».

(۸۵) ص ۱۸۲، س ۹: عبارت نادرست «ریح و روح در تجویف آورد» به جای «ریح و روح در تحویف او رود» آمده.

(۸۶) ص ۱۸۶، س ۱: عبارت غلط «چنانچه یازده شد» به جای «چنانچه یاد کرده شود»، چرا که یازده هیچ سنخیتی در این عبارت ندارد.

(۸۷) ص ۱۹۵، س ۱: اسقاط کلمه «سه» از عبارت «و [سه] غشا گرد جنین درآمده» و ذکر آن در پاورقی (نسخه بدل ها).

(۸۸) ص ۱۹۸، س ۷: کلمه نامناسب «حاصل» به جای حایل در عبارت «این غشا حاصل (← حایل) می شود میان سرّه و بول».

(۸۹) ص ۱۹۸، س ۸: کلمه نامناسب «چون» به جای جنین در عبارت «بنابر آن که بول چون (← جنین) از ممرّ سرّه بیرون می آید».

(۹۰) ص ۱۹۹، س ۹: عبارت نادرست «تا حفظ کند و به شکل هر جزوی به حسب ...» به جای «تا حفظ کند تشکیل هر جزوی به حسب ...» آمده است.

(۶۰) ص ۱۲۰، س ۲: اسقاط حرف رای مفعولی در جمله «جذب می کند کیلوس [را] به جانب جگر».

(۶۱) ص ۱۲۳، س ۷: عبارت نادرست «و جزو ششم حوالی معاء و صایم می گردد»، به جای «و جزو ششم حوالی معای صایم می گردد»؛ مطلب درخور توجه آن که مصحح محترم معای صایم را در پاورقی (نسخه بدل ها) ذکر کرده است.

(۶۲) ص ۱۲۵، س ۲ و ۱: حرف اضافه «از» در عبارت «و از او ورید شریانی است» زاید است و اختلال در معنا ایجاد می کند.

(۶۳) ص ۱۲۵، س ۹: اسقاط حرف اضافه «در» در عبارت «... نضج باید خون [در] او تمام» که مصحح محترم آن را در پاورقی ذکر کرده است و معنای کلام ناقص شده است.

(۶۴) ص ۱۲۵، س ۱۴: عبارت نادرست «غشایی که قایم اند» به جای «غشایی که قاسم اند»، چرا که غشای قاسم صدر موسوم به «parietal pleura» معروف است و آن قاسم صدر است نه قایم صدر.

(۶۵) ص ۱۲۷، س ۴: ضمیر او در عبارت «و غیر او از اضلاع اریعة عالیه ...» زاید است و اختلال در معنا ایجاد می کند.

(۶۶) ص ۱۲۸، س ۹: واژه غلط اعور به جای «اغور» آمده است؛ صاحب مفاتیح العلوم نیز آن را و دَج غایب می نامد (ر. ک. ترجمه مفاتیح العلوم، ص ۱۴۹).

(۶۷) ص ۱۲۹، س ۵: حرف ربط و او در عبارت «یکی در می رود و به طریق عرض و ...» زاید است و اختلال در معنای کلام ایجاد کرده، صورت صحیح کلام چنین است: «یکی در می رود به طریق عرض و می رسد ...» که پاورقی شماره ۶ نیز مؤید این است.

(۶۸) ص ۱۳۱، س ۲: ترکیب نامناسب «محلّل قحف» به جای «مَحَالّ قحف» آمده است.

(۶۹) ص ۱۳۴، س ۱: واژه نامناسب «اربع» به جای ارفع (بالا رو) در عبارت «و منقسم می شود قسم ارفع از او در اجزای خارجی دست».

(۷۰) ص ۱۳۶، س ۳: اشتباه چاپی «گرده می شود» به جای کرده می شود.

(۷۱) ص ۱۳۹، س ۱: ترکیب غلط «عضل الیتین» به جای ترکیب درست «عضل المتین».

(۷۲) ص ۱۴۰، س ۱: عبارت ناقص «این آورده به چهار شعبه می شود» به جای «این آورده منقسم به چهار شعبه می شود».

(۷۳) ص ۱۵۵، س ۱۶: واژه نامناسب «منضغط» به جای واژه مناسب «مُضَرَج» (شکافته شده).

(۷۴) ص ۱۵۶، س ۴: عبارت نادرست «هوا و روح ...» به جای «هوای مروّح» آمده است.

